



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

دانشکده پرستاری مامایی

پایا نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

پرستاری سالمندی

**بررسی تاثیر مشارکت در گروه‌های حمایتی بر افسردگی، احساس
تنهایی و کیفیت زندگی مراقبین خانوادگی افراد مبتلا به آلزایمر**

نگارنده:

فهیمة طاعتی

استاد راهنما:

دکتر الهام نواب

۱۳۹۵

چکیده:

بررسی تأثیر مشارکت در گروه‌های حمایتی بر افسردگی، احساس تنهایی و کیفیت زندگی مراقبین خانوادگی افراد مبتلا به آلزایمر

مقدمه و هدف: مراقبان بیماران مبتلا به آلزایمر با تنشها و چالشهای متعددی در زندگی مواجه هستند که ارزیابی مراقبت به موازات ایفای سایر نقشها، این گروه از مراقبان را در معرض خطر مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی-اقتصادی قرار می‌دهد و به تبع آن کیفیت زندگی آنها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از طرفی فقدان حمایت‌های لازم این مشکلات را دوچندان می‌نماید. بنا بر اهمیت توانمندسازی و حمایت مراقبین خانوادگی، این مطالعه به بررسی تأثیر مشارکت مراقبین بیماران مبتلا به آلزایمر در گروه‌های حمایتی بر افسردگی، احساس تنهایی و کیفیت زندگی آنان پرداخته است.

روش کار: تحقیق حاضر یک کارآزمایی بالینی تصادفی با ۶۲ مراقب خانوادگی بیمار مبتلا به آلزایمر می‌باشد. در ابتدا افسردگی، احساس تنهایی و کیفیت زندگی مراقبان خانوادگی به ترتیب از طریق پرسشنامه‌های فرم کوتاه پرسشنامه افسردگی اضطراب استرس (DASS-21) و فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی-عاطفی بزرگسالان (SELSA-S) و کیفیت زندگی SF-36 اندازه‌گیری شد. طول مدت مداخله ۸ جلسه در هشت هفته متوالی بود که هر جلسه ۱/۵ - ۲ ساعت به طول انجامید. در آخرین جلسه گروه حمایتی، پرسشنامه‌های افسردگی، احساس تنهایی و کیفیت زندگی در هر دو گروه آزمون و کنترل بصورت جداگانه توسط مراقبین هر گروه تکمیل گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون‌های T مستقل، T زوجی، من ویتنی، دقیق فیشر و کای اسکوئر) استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر متغیرهای دموگرافیک دو گروه در ابتدای مطالعه کاملاً همگن بوده و اختلافی بین آنها مشاهده نشد. اختلاف معناداری در بین دو گروه آزمون و کنترل از نظر اختلاف میانگین افسردگی قبل و بعد از مداخله، مشاهده نشد ($P=0/27$). در حالیکه تفاوت معناداری، در بین دو گروه از نظر اختلاف میانگین نمره احساس تنهایی قبل و بعد از مداخله در کل احساس تنهایی ($P<0/01$)، بعد رمانتیک احساس تنهایی ($P<0/01$)، بعد خانوادگی احساس تنهایی ($P<0/01$)، بعد اجتماعی احساس تنهایی ($P<0/01$)، کیفیت

زندگی کلی ($P=0/03$)، بعد نقش محدودیتهای جسمی ($P<0/01$)، بعد نشاط ($P=0/04$)، بعد نقش محدودیتهای عاطفی ($P=0/02$) و خلاصه جزء ذهنی کیفیت زندگی ($P=0/03$) یافت شد.

نتیجه گیری: با توجه به این مطالعه می توان نتیجه گرفت که مشارکت در گروه حمایتی می تواند موجب کاهش احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی مراقبین بیماران مبتلا به آلزایمر گردد.

کلمات کلیدی: آلزایمر؛ مراقب خانوادگی؛ افسردگی؛ احساس تنهایی؛ کیفیت زندگی؛ گروه حمایتی.



Tehran University of Medical Sciences

School of Nursing & Midwifery

Title:

**The effect of participating in support groups on depression,
loneliness and quality of life of family caregivers of Alzheimer
persons.**

**A thesis submitted as partial fulfillment of the requirements for Master of Science
(MSc)Degree**

in Geriatric Nursing

By

Fahimeh Taati

Supervisor

Dr. Elham Navab

Consultants

Dr. Naime Seyedfatemi

Dr. Farshad Sharifi

Year: 2016

Register Number

Abstract:

Background and aim: Caregivers of patients with Alzheimer's disease are in exposure of various stresses and challenges in life. Giving care alongside with handling other roles will push them to physical, mental and social-economic risks which consequently affect their quality of life. On the other hand, lack of required supports will enhance these problems twice. Considering the importance of empowerment and support of family caregivers, this study investigated the effect of participating in support groups meetings on depression, loneliness and quality of life of family caregivers of persons with Alzheimer's.

Methods: This research was a clinical trial with random sampling, which examined the effect of participation in support groups on depression, loneliness and quality of life of 62 family caregivers of persons with Alzheimer's. At first were measured depression, loneliness and quality of life family caregivers of patients with Alzheimer's respectively with Depression Anxiety and Stress Scale (DASS-21), short form of the Social- Emotional Loneliness Scale for Adults (SELSA-S) and the Short Form Health Survey (Sf-36). The duration of the intervention was 8 session within eight consecutive weeks that each session lasted 1.5 - 2 hours. In last meeting of the support group, the level of depression, loneliness and quality of life were measured in both experimental and control groups. To analyze the data were used descriptive and inferential statistics (independent T-test, paired T-test, Mann-Whitney, Fisher's exact and chi-square).

Results:

There was no significant difference between experimental and control groups from aspect of mean difference of depression before and after the intervention ($P=0.27$). whereas, were found significant difference among two groups in mean difference of before and after of intervention in total loneliness ($P<0.01$), loneliness romantic subscale ($P<0.01$), loneliness family subscale ($P<0.01$), loneliness social subscale ($P<0.01$), total quality of life ($P=0.03$), physical limitations role dimension ($P=0.03$), vitality dimension ($P=0.04$), role of emotional limitations dimension ($P=0.02$) and mental component summary of quality of life ($P=0.03$).

Conclusion: According the results of this study, it can be concluded that participation in support group can cause a decrease in emotional and social loneliness and increase in the quality of life of caregivers of persons with Alzheimer disease.

Key words: Alzheimer, family caregiver, depression, loneliness, quality of life, support group